

# دومین انشعاب

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران درباره فعالیت گروه انشعابی

## جریان امر

از مدتی پیش و در تحت تاثیر تبلیغات ایدئولوژیک و فعالیت انشعابی رهبران حزب کمونیست چین دو تن از اعضا سابق کمیته مرکزی حزب توده ایران (رفقا احمد قاسمی، دکتر غلامحسین فروتن) و یک تن از اعضا مشاور (رفیق عباس سغایی) آغاز مخالفت یا مشی حزب در مسائل بین المللی و ایران را گذاشتند. تاریخ حزب نشان می دهد که این افراد در حزب سوابق خط مشی چپ روانه و سکتاریستی داشته اند و گرویدن آن ها به شیوه های دگماتیک و تفسیر خاص چپ روانه ای که رهبران چین از اصول مارکسیسم - لنینیسم می کنند و پیروی آن ها از روش تعمیق اختلاف در نهضت کمونیستی و کارگری جهانی که از طرف رهبران حزب کمونیست چین باشد دنیا را می شود نتیجه منطقی همین خط مشی است. تا قبل از پلنوم دهم در مسائل مربوط به جنبش کمونیستی و کارگری و استراتژی و تاکتیک جهانی این جنبش اتفاق نظر بود و رفقای سه گانه کلیه اسناد، قطعنامه ها و تصمیمات مربوط را تایید می کردند.

در پلنوم دهم کمیته مرکزی رفیق احمد قاسمی در عین موافقت با کلیه مواد قطعنامه مربوط به روش هیئت نمایندگی ما در کنگره ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی به ماده مربوط به تفبیح روش غیر اصولی حزب کارآلبانی رای ممتنع داد. البته در این پلنوم رفقا دکتر غلامحسین فروتن و عباس سغایی قطعنامه مورد بحث را کاملاً تایید کردند، ولی پس از پلنوم دهم علاوه بر قاسمی، ابتدا دکتر فروتن و سپس تدریجاً سغایی راه تایید خط مشی رهبران چین را در پیش گرفتند و می کوشیدند تا در جریان کار تبلیغاتی و ایدئولوژیک حزب در جهت نظر خود تاثیر کنند و تا حدودی موجب اشکال در امور عادی حزبی می شدند. وقتی که بوروی کمیته مرکزی نظر همه اعضا کمیته مرکزی و مشاورین را درباره مسائل مورد اختلاف در نهضت خواست رفقا قاسمی و فروتن و سغایی در جواب های خود کاملاً از مواضع رهبری حزب کمونیست چین دفاع کردند. فقط عباس سغایی در مسئله تقبیح کیش شخصیت استالین روش حزب را تایید کرد، ولی در بقیه مسائل موضع او ماهیتاً با موضع احمد قاسمی و دکتر غلامحسین فروتن یکی بود. در پلنوم یازدهم این رفقا علی رغم توضیحات عدیده که در گزارش بوروی در باره نادرستی خط مشی آن ها داده شده بود و علی رغم تذکرات و توضیحات مکرر اعضا پلنوم، در مشی نادرست خود باقی ماندند و حاضر

نشندند از آن انصراف پیدا کنند، پلنوم به‌همین مناسبت و براساس این استدلال که همزیستی دو خط مشی متفاوت در داخل کمیته<sup>۱</sup> مرکزی یک حزب طراز نوین با وحدت اراده و عمل که یکی از اصول مسلمه جنبان احزابی است مغایرت دارد، رفقا قاسمی و فروتن را از عضویت کمیته مرکزی معاف کرد و از لحاظ ابراز نرزش تعبیری در مقام سازمانی رفیق سغایی نداد. رفیق سغایی علی‌رغم نرزشی که پلنوم به وی نشان داد جلسه پلنوم را با تقدیم یک نامه معترضان به هیئت رئیسه پلنوم ترک گفت و بدین ترتیب هم‌بستگی خود را با هم‌فکران خود ابراز داشت. در دوران پس از پلنوم نه‌فقط فعالیت این‌رفقا تخفیف نیافت بلکه به‌مراتب وسیع‌تر و شدید‌تر شد، با آن‌که پس از پلنوم یازدهم بوروی کمیته<sup>۲</sup> مرکزی از اقدامات غیرتشکیلاتی رفقا قاسمی و فروتن و سغایی (از قبیل تشکیل جلسات سری، ارتباطات مخفی یا بعضی از افراد در مهاجرت و خارج از آن، اشاعه اخبار ناصحیح و یک‌جانبه و تحریک‌آمیز درباره تصمیمات پلنوم یازدهم چه در ملاقات‌های خصوصی و چه در ضمن مباحثه حوزه‌ها و مواضع براساس پلان‌تفرم مشخص سکتاریستی و چپ‌روانه علیه مشی مصوب کمیته مرکزی) مطلع بود، از هیچ‌گونه نرزش و گذشتی برپایه توصیه پلنوم یازدهم منسی بر اقناع و دلالت این‌رفقا به‌راه صحیح تشکیلاتی فروگذار نمود و کوشید که از لحاظ مادی و معنوی کوچک‌ترین لطمه‌ای به‌زندگی آن‌ها وارد نشود.

نرزش و مراعات دستگاره‌بری موجب آن نشده‌که این‌رفقا با حفظ قضاوت‌های خود لاقفل در چارچوب مراعات و احترام به‌موازین و مقررات حزبی باقی بمانند و مصالح عالی‌ه حزب و حفظ وحدت آن‌را در نظر گیرند بلکه فعالیت شدیدی را برای تدارک انشعاب از لحاظ ایده‌ای و سازمانی شروع کردند. این‌رفقا در عین حال کوشیدند اقدامات تدارکی خود را در زیر ساتری از تظاهرات دایر بر آن‌که گویا می‌خواهند آن‌ها را از کشور اقامتگاه‌شان بیرون کنند و تحویل پلیس ایران بدهند! مخفی سازند. خود این افراد به‌نادرستی این انتسابات و وقوف کامل داشته‌اند زیرا رهبری حزب در تماس با آن‌ها و بااطلاع خود آن‌ها برای تأمین شرایط عادی زندگی و کار آن‌ها اقدام می‌کرده است و موازین برخورد و کمک رفیقانه را کاملاً در مدنظر داشته و مراعات می‌نموده است:

وقتی که رهبران حزب کمونیست چین تصمیم گرفتند از تاکتیک انتظار و تخریب وحدت در درون احزاب برادر به تاکتیک عمل برای جداشدن ایده‌ای و سازمانی از این احزاب دست بزنند، رفقا قاسمی و فروتن و سغایی به اقدام انشعابی آشکار متوسل شدند و در تاریخ ۱۵ مهر ماه ۱۳۴۴ (۷ اکتبر ۱۹۶۵) طی نامه‌ای به امضاء سه نفر خطاب به بوروی کمیته<sup>۲</sup> مرکزی اعلام داشتند:

"ما به‌این وسیله صریحاً اعلام می‌داریم که تصمیمات پلنوم یازدهم و از جمله اخراج دو تن از رفقای کمیته<sup>۲</sup> مرکزی و انتخاب شما سه نفر را به‌عنوان بوروی کمیته<sup>۲</sup> مرکزی مخدوش و از درجه اعتبار ساقط می‌دانیم. ما برای احیاء سنن انقلابی حزب توده<sup>۳</sup> ایران و پیروزی آرمان‌های آن مبارزه خواهیم کرد."

شایان ذکر است که تا قبل از این تاریخ رفقای سه‌گانه، بوروی کمیته<sup>۲</sup> مرکزی را قبول داشتند و برای کلیه امور خود، شفاها و کتبا به‌وی مراجعه می‌کردند. کوشش بوروی کمیته مرکزی پس از دریافت نامه ۱۵ مهر ماه ۱۳۴۴ برای دعوت این‌رفقا به مراعات انضباط حزبی و پیشنهاد بوروی طی دو نامه به‌فرد فرد رفقای سه‌گانه برای اخذ تماس با آن‌ها بلاجواب ماند. در این مدت دو اعلامیه یکی بدون امضاء تحت

عنوان "نامه سرگشاده عده‌ای از اعضا حزب توده" ایران خطاب به تمام رفقای حزبی درباره تجدید سازمان و احیاء فعالیت انقلابی طبقه کارگر ایران" و دیگری با امضاء رفقا قاسمی، فروتن و سعایی تحت عنوان "انقلاب قهرآمیز راه رهایی خلق‌های ایران است" (که در عین حال اعلامیه‌خیز دارای دو تاریخ تیر و شهریور ماه ۱۳۴۴ است) منتشر گردید. یا این که اعلامیه اول فاقد امضاء است شباهت کامل مضمون آن با اعلامیه دوم و با نامه ۱۵ مهر ماه ۱۳۴۴ رفقای سه‌گانه تردیدی باقی نمی‌گذارد کمونیست‌دگان اعلامیه اول نیز همین رفقا هستند. در هر دو این اعلامیه‌ها پس از حملات شدید به رهبری حزب توده، ایران افراد حزب تحت عنوان "برافراشتن پرچم آرمان‌های طبقه کارگر ایران" به انشعاب دعوت شده‌اند و در اعلامیه دوم وعده داده شده است که خط مشی سیاسی و سازمانی حزب نوین‌یاد به وسیله رفقای سه‌گانه در دست تدارک است و به‌زودی نشر خواهد یافت.

مقارن این ایام رفقای سه‌گانه در نزد مقامات دولتی کشور اقامتگاه خود برای خروج از این کشور و رفتن به نقطه دیگر اقدام کردند. بدیهی است که حزب ما با خروج این رفقا از لحاظ مسئولیتی که در مورد امتیاز آن‌ها داشت نمی‌توانست موافقت کند ولی در عین حال نه‌حزب و نه‌مقامات یک کشور سوسیالیستی به هیچ وجه طرفدار اقامت اجباری احدی در محلی نبوده و نیستند. از آن جا که این رفقا حزب را متهم کرده بودند که گویا می‌خواهد آن‌ها را از کشور اقامتگاه‌شان خارج سازد و تحویل دشمن بدهد (!) برای آن‌که این اتهام فحیح وارد نشود، حزب در عین اعلام موافقت خود با خروج این افراد متذکر شد که آن‌ها داوطلبانه بودن این خروج را تصریح کنند. ولی دو تن از آنان (رفقا فروتن و سعایی) بدون اطلاع مقامات حزبی و مقامات دولتی کشور اقامتگاه از طریقی که بر ما معلوم نیست خارج شدند. این طرز عمل که هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند آن را توجیه کند نشانه آنست که چقدر این رفقا در موضع‌گیری خود علیه حزب توده، ایران و کشور سوسیالیستی اقامتگاه خود حتی علی‌رغم موازین عادی نزاکت و حق‌شناسی دور رفته‌اند.

بوروی کمیته مرکزی پس از آن که اقدامات مکررش برای اخذ تماس با این رفقا بلاجواب ماند و پس از آشنایی با اسناد و اعلامیه‌های منتشره از طرف این رفقا به این نتیجه رسید که هرگونه اقدامی برای حفظ آنان در صفوف حزب بی‌فایده است زیرا آن‌ها اجراء رهنمود صادره از طرف یکن دایر به‌جدایی سازمانی و ایده‌ای از حزب را بر هر قاعده و میزان دیگری ترجیح می‌دهند. بوروی کمیته مرکزی در برابر این وضع بنا به مسئولیت سیاسی و سازمانی خود مبادرت به اتخاذ تصمیمات زیرین نمود:

۱ - بوروی کمیته مرکزی اعلام متفق رفقا احمد قاسمی، دکتر غلامحسین فروتن و عباس سائی را دایر به عدم قبول کلیه تصمیمات پلنوم کمیته مرکزی، عمل غیرتشکیلاتی و تخلف صریح از وظایف سازمانی اعضا حزب مصرح در بندهای الف، ب، ه، ز و ماده ۹ اساسنامه حزب توده، ایران می‌شمارد.

۲ - بوروی کمیته مرکزی اعلام متفق رفقای مزبور را دایر به این که خط مشی و تصمیمات کمیته مرکزی حزب را نمی‌پذیرند و خود را سا برای احیاء سنن انقلابی حزب توده، ایران و پیروزی آرمان‌های آن مبارزه خواهند کرد به مثابه موضعی ضدتشکیلاتی،

انشعاب طلبانه و مضر به وحدت و مصالح حزب توده ایران محکوم می نماید .

۳ - بوروی کمیته مرکزی اقدامات ذیل : داشتن پلاتفرم و خط مشی سیاسی برخلاف خط مشی و تاکتیک کمیته مرکزی ، تشکیل جلسات سری سه نفری ، کوشش در ایجاد ارتباطات مخفی با برخی از افراد حزب برای جلب آن ها به موضع چپ روانه و ضد تشکیلاتی خود ، اشاعه اخبار ناصحیح و تحریک آمیز در باره تصمیمات پلنوم یازدهم و رهبری حزب ، تکثیر و پخش اوراق و نامه ها بین اعضا حزب را به مثابه اعمال فراکسیونی و ضد سازمانی محکوم می کند .

۴ - بوروی کمیته مرکزی مجموع اعمال این افراد را مواضعه علیه موجودیت حزب توده ایران و وحدت سازمانی آن می شمرد ، زیرا عدم قبول خط مشی مصوب کمیته مرکزی و اعلام فعالیت سیاسی و سازمانی در وراء تصمیمات رهبری حزب جز اعلام تشکیل سازمان جداگانه ای با خط مشی و سیاستی غیر از سیاست و خط مشی رسمی حزب معنای دیگری نمیتواند داشته باشد و اقدامات گروهی و انشعاب طلبانه نیز مفهوم دیگری غیر از این ندارد . حفظ نام حزب توده ایران و اعلام مبارزه در راه سنن انقلابی و پیروزی آرمان های آن فقط تشبثی به منظور پوشاندن ماهیت فراکسیونی و انشعاب گرانه این اقدامات است و بس .

بنا به مراتب فوق بوروی کمیته مرکزی طبق ماده ۱۷ اساسنامه حزب مقرر می دارد :

الف - احمد قاسمی و غلامحسین فروتن از حزب توده ایران اخراج شده اعلام گردند .

ب - عباس سفایی از عضویت مشاور کمیته مرکزی و عضویت در حزب تا تصمیم نهایی پلنوم کمیته مرکزی معلق اعلام شود .

ج - تصمیم بوروی کمیته مرکزی به استحضار افراد نامبرده و به اطلاع کلیه سازمان های حزبی برسد .

د - بوروی کمیته مرکزی جریان امر را مشروحا به پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی گزارش نماید .

### انشعابیون علی رغم گفته های سابق خود عمل می کنند

در نامه هایی که بوروی کمیته مرکزی برای اقناع قاسمی و فروتن و سفایی در تاریخ ۲۹ آبان ماه ۱۳۴۴ به آن ها نوشته است تناقض بین عمل انشعابی آن ها با نوشته ها و گفته های گذشته خود این افراد تصریح شده است . ما سودمند می دانیم بخش هایی از نامه بوروی کمیته مرکزی را برای اطلاع و قضاوت همه رفقای حزبی نقل کنیم .

بوروی کمیته مرکزی در نامه خود خطاب به رفیق احمد قاسمی چنین می نویسد :

"موضوعی که اختیار نموده‌اید غیرتشکیلاتی است زیرا برخلاف اصول مصرحه در اساسنامه حزب توده، ایران است که خود نیز در تنظیم و تصویب آن شرکت داشته‌اید. روشی که شما در نامه خود اعلام می‌دارید از جمله، با بندهای زیرین از ماده ۴ اساسنامه که ضمن آن‌ها وظایف عضو حزب برشمرده می‌شود منافات دارد :

"عضو حزب موظف است : الف - در راه حفظ وحدت حزب که شرط اصلی نیرو و بقای آنست با تمام قوا بکوشد. ب - انضباط حزبی را که برای عموم اعضا، حزب یکسانست مراعات نماید. ه - مبلغ مرام و سیاست و خط مشی حزب باشد و برای تحقق آن مبارزه کند. ز - از هر عملی که مخالف حیثیت و اعتبار حزب و ارگان‌های آن باشد بپرهیزد و سعی کند تا در زندگی خصوصی و اجتماعی رفتارش نمونه باشد."

این که می‌نویسید تمام تصمیمات پلنوم یازدهم کمیته مرکزی و از جمله انتخاب بوروی کمیته مرکزی را مخدوش و از درجه اعتبار ساقط می‌دانید در واقع به معنای عدم قبول رهبری حزب توده، ایران و اصل مرکزیت دموکراتیک است که در ماده ۹ اساسنامه حزب مبنای سازمانی حزب توده، ایران تلقی شده و "رعایت انضباط حزبی، اجرای دستورات و تصمیمات حزبی و تبعیت اقلیت از اکثریت" به مثابه یکی از نکات اساسی آن اعلام گردیده است.

شما خودتان ضمن مقاله‌ای که در شماره ۲ از سال دوم محله دنیا (تابستان ۱۳۴۰) تحت عنوان "در زیر پرچم حزب توده، ایران" در اقصاء کتاب تحلیلی از خط مشی سیاسی حزب توده، ایران نگاشته‌اید به درستی این نکته را متذکر می‌شوید که : "اینک بیش از هر زمان احساس می‌شود که کوبیدن رهبری با کوبیدن آثار وجودی حزب توده، ایران برابر است. در چنین لحظه‌ای بدیهی است که توجه مخالفان و معترضان و دشمنان حزب توده بیش از همه بر روی رهبری متمرکز می‌گردد." و نیز در جای دیگر همان مقاله نوشته‌اید :

"نفی رهبری حزب توده، ایران نفی حزب توده، ایران است. این دفاع از این و آن نیست، دفاع از ارگانی است که ناگزیر و به هر تقدیر این وظیفه برعهده او، و فقط او، گذاشته شده است. ممکن است بعضی از رفقای حزبی و یا بعضی از دوستان حزب توده، ایران، به این واقعیت توجه نداشته باشند و تحت تاثیر علاقه صمیمانه‌ای که به سرنوشته حزب دارند به نتیجه - گیری‌های شتاب زده‌ای دست بزنند. ولی دشمنان آگاه طبقه کارگر، آن‌هایی که با اشارات امیرالایم رهبری می‌شوند، به این واقعیت توجه کامل دارند و از همه طرف رهبری حزب توده، ایران را می‌کوبند تا سازمان سیاسی طبقه کارگر ایران را کوبیده باشند."

به زحمت می توان باور کرد که نویسنده این عبارات و دارنده این نظریات درست همان کسی باشد که نامه ۷ اکتبر ۱۹۶۵ را امضاء نموده در آن نه تنها تصمیمات رهبری حزب را از کمیته مرکزی گرفته تا بوری منتخب آن مخدوش و غیر قابل قبول دانسته است، بلکه رسماً اعلام نموده که خود را "برای احیاء سنن انقلابی حزب توده" ایران و پیروزی آرمان های آن " مبارزه خواهد کرد.

جنبه فزاکسیونی و انشعاب طلبانه چنین موضعی آشکار است زیرا اگر کسانی از یک طرف رهبری حزب و خط مشی و تصمیمات آن را قبول نداشته باشند و از طرف دیگر اعلام کنند که خود را سا به اتفاق چند نفر دیگر " برای احیاء سنن انقلابی حزب توده" ایران و پیروزی آرمان های آن " مبارزه خواهند کرد جز این معنایی ندارد و نمی توان داشته باشد که می خواهند سازمانی جداگانه به وجود آورند و آن چه را که خود خط مشی صحیح می انگارند به وسیله آن گروه یا آن سازمان به معرض اجرا در آورند. در واقع اقدامات گروهی و انشعاب طلبانه مفهوم دیگری غیر از این ندارد و حفظ نام حزب توده ایران هم به وسیله گروه یا سازمانی تنها جنبه تاکتیکی دارد و صرفاً به منظور استفاده از احترام و عواطفی است که به حق مردم ایران نسبت به حزب ما داشته دارند و در ورا آن هیچ گونه سازمان سیاسی دیگری را برای طبقه کارگر کشور ما نمی پذیرند.

بسیار است باز در این مورد به جای استدلال دیگر، از خود شما نقل قولی بیاوریم. شما ضمن مقاله ای که در مجله مسائل حزبی شماره ۷ ( خرداد ماه ۱۳۳۸ ) تحت عنوان " مبارزه جایز و غیر جایز " نوشته اید به درستی رفقای دیگر حزبی را از گرایش به طرف مبارزات انفرادی یا جمعی خارج از تشکیلات رسمی حزب بر حذر می دارید و می نویسید:

" هر مبارزه حزبی باید از مجرای ارگانیک حزبی صورت گیرد. از طریق حوزه ها، کنفرانس ها، پلنوم ها و کنگره ها. زیرا که محتوی حزب مارکسیستی - لنینیستی عبارتست از تشکل ایدئولوژیک و سازمانی پیش آهنگان طبقه کارگر و هر شکل مبارزه که تشکل حزبی را ندیده بگیرد و به آن صدمه برساند ناقض محتوی است و بنابراین مردود و محکوم است. "

سپس در دنبال همین استدلال از لنین نقل قول می کنید و می نویسید:

" لنین درباره حزب سوسیال دموکرات روسیه می گوید که پس از آن که این حزب سرتاسری روسیه به وجود آمد با یدارتباط جدیدی مبتنی بر آیین نامرسمی حزب در بین اعضا به وجود آید. لنین با توجه به بدگمانی ها و سوء تفاهات متصوره بین اعضا حزب می گوید که در چنین حزبی " من موافقم که برای اظهار بی اعتمادی و برای عملی ساختن نظریات و منویاتی که

از این بی‌اعتمادی ناشی می‌شود از همان راهی که رسماً تجویز شده است اقدام کنم. " (جلد هفتم، صفحه ۳۶۲) .  
و اضافه می‌کند که:

"وقتی که من عضو حزب شدم حق ندارم فقط به بی‌اعتمادی مبهم خود استناد جویم، زیرا که این‌گونه استناد راه را برای هرگونه خودسری و هرگونه خودگامی محفل‌بازی‌های سابق باز می‌کند. " (جلد هفتم، صفحه ۳۶۳) . این گفتار لنین درباره کلیه احزاب مارکسیستی و کلیه اعضا آنها صادق است.

شما خود در این مقاله به درستی برخی از حوزه‌ها و افراد حزبی را که در آن هنگام "نظریات خود را به صورت بخشنامه برای سایر حوزه‌ها و افراد حزبی" می‌فرستادند مورد سرزنش و انتقاد قرار داده و می‌نویسید:

"شاید این رفقا توجه ندارند که استمرار در این شیوه در حکم ندیده‌گرفتن سازمان حزب و ایجاد ارگان‌نیسم تازه‌ای در کنار ارگان‌نیسم حزب است. این رفقا نظریات خود را از چنان طریقی به جریان می‌اندازند و نظریات دیگران را از چنان طریقی دریافت می‌کنند که طریق حزبی نیست. اگر این شیوه تعمیم یابد هر حوزه و حتی هر فرد حزبی به صورت مرکزی درمی‌آید که مستقل از ارگان‌نیسم حزب وجود دارد و مستقل از مرکز حزب تصمیم می‌گیرد. تعمیم این شیوه درحقیقت موجب ایجاد مراکز متنوع و متعددی است که وجود آنها با مرکزیت حزب منافات دارد. تعمیم این شکل موجب تفرقه سازمانی است. "

"آن‌گاه شگفت‌آور است که خود شما نسخه‌هایی از نامه ۷ اکتبر خود را در همان زمان که به دبیرخانه حزب می‌فرستید برای عده دیگری از اعضا حزب نیز ارسال می‌دارید و معلوم نیست چگونه می‌توانید آن را به مثابه یک اقدام حزبی توجیه نمایید. تردیدی نیست که مجموع این قبیل اقدامات هم چنان که خود استدلال کرده‌اید در جهت تفرقه سازمانی، در جهت لطمه وارد آوردن به وحدت حزب و منافعی با مصالح واقعی حزب توده ایران است. شاید در مورد اعمال اصول و موازین حزبی بین خود و سایر اعضا حزب تفاوتی قائلید و معتقدید که رعایت این اصول فقط وظیفه دیگران است و شما از آن مستثنی هستید، یا این که تصور می‌کنید اجراء این قواعد و اصول برحسب این که شخص در رهبری حزب عضویت داشته باشد و یا به دلایلی در آن شرکت نداشته باشد تفاوت پیدا می‌کند و تصمیم پلنوم یازدهم مبنی بر آزاد ساختن شما از عضویت کمیته مرکزی به شما چنین حقی را داده است که اصول و موازین سازمانی را مراعات نکنید. اگر احتمالاً چنین توجیهات ناصحیحی در ذهن شما رخنه کرده باشد، ما وظیفه خود می‌دانیم که از شما رفع شبهه کنیم و به شما پیشنهاد می‌کنیم برای این که نادرستی

این نظریات برای شما معلوم شود لااقل به آنچه خود به هنگام شرکت در رهبری حزب مکرراً نوشته و اظهار نظر کرده اید مراجعه نمایید و اندیشه‌های کنونی خود را با نظریات گذشته خویش بسنجید و از آن نتیجه صحیح حزبی استنتاج نمایید.

بوروی کمیته مرکزی در نامه خود خطاب به رفیق دکتر غلامحسین فرّات چنین می‌نویسد:

" شما خودتان ضمن مقاله‌ای که در شماره ۷ مجله مسائل حزبی تحت عنوان "میرم‌ترین وظیفه حزب ما تأمین وحدت است" نوشته‌اید، به درستی این نکته را متذکر می‌شوید که: "واقعیت موجود اینست که حزب ما نه تنها دچار شدت شده بلکه در برابر دشمنی قرار گرفته که با اعمال کلیه طرق و شیستی از تمام وسایلی که در اختیار دارد و برای جلوگیری از احیاء مجدد آن استفاده می‌کند، هر اندازه دوران اعتلاء نهضت در ایران نزدیک می‌شود مبارزه ارتجاع با حزب ما که تنها نیروی سازمان‌دهنده توده‌های زحمتکش است شدت خواهد یافت، برای مقابله با این دشمن یک سازمان متشکل یک پارچه لازمست که در آن از صدر تا ذیل وحدت کامل و انضباط آهنین حکمفرما باشد. وحدت اراده و عمل تنها ضامن پیروزی پرولتاریا و پیش‌آهنگ آنست. نیروی حزب در تحقق اصل سانترالیزم دموکراتیک، در طرد هرگونه فعالیت فراکسیونی و پرهیز از هر گونه تمایلات گروهی است. نمونه‌های تشتت فکری، مظاهر فعالیت‌های فراکسیونی، تمایلات گروهی، عدم مراعات اصل تبعیت اقلیت از اکثریت که در حزب ما به چشم می‌خورد و وحدت حزب ما را برهم می‌زند و آن را در برابر دشمنی که از هر سو به حزب ما وحشیانه حمله می‌کند، ضعیف و ناتوان می‌سازد. وحدت حزب در وحدت ایدئولوژی (برنامه و تاکتیک) و وحدت سازمانی یا به عبارت دیگر در وحدت اراده و عمل است. وحدت در مسائل برنامه و تاکتیک شرط لازم برای وحدت حزب و تمرکز سازمان حزبی است ولی این وحدت به تنهایی کافی برای تأمین وحدت حزب نیست، برای تمرکز سازمانی یعنی وحدت عمل، وحدت سازمانی نیز ضروری است. وحدت سازمانی بدون قبول اساسنامه حزبی، بدون تبعیت اقلیت از اکثریت، بدون تابعیت جزء از کل امکان ندارد. . . . "

پس در همین مقاله از اعضا حزب سؤال می‌کنید:

"آیا ادامه این وضع که امکان مقابله با دشمن را از ما می‌گیرد و فرصت‌های گرانبهایی را از کف ما می‌رباید در جهت خواست و تمایلات دشمنان نهضت نیست؟ یکی از تاکتیک‌های دشمن در مبارزه با حزب ما برهم زدن وحدت حزب و ایجاد تفرقه در صفوف آنست. آیا ما با ادامه تفرقه کنونی و تشدید آن به تحقق تاکتیک دشمن کمک نمی‌کنیم؟ بدون شک پاسخ این سؤال‌ها مثبت است. . . . "



در خاتمه این مقاله باز خود متذکر می‌شوید که: "تمام کوشش ما باید در راه تأمین تحکیم وحدت حزب مصروف گردد. البته این امری نیست که ظرف امروز و فردا با یک عمل معجزه‌آسا تحقق پذیرد. بهترین راه‌نیل بدین منظور پیروی از اصول و موازین حزبی است. البته این به آن معنی نیست که از مبارزه درون حزبی باید چشم‌پوشید. مبارزه درون حزبی سرچشمه تکامل پیشرفت حزب است. این به آن معنی است که مبارزه درون حزبی باید با مراعات اصول حزبی و هدفش تحکیم وحدت و بهبود وضع حزب باشد."

به زحمت می‌توان باور کرد که نویسنده این عبارات و دارنده این نظریات همان رفیق فروتنی است که نامه ۷ اکتبر را امضاء نموده و در آن نه تنها تصمیمات رهبری حزب را از کمیته مرکزی گرفته تا بوروی منتخب آن مخدوش و غیر قابل قبول دانسته است، بلکه رسماً اعلام نموده که خود راساً برای احیاء سنن انقلابی حزب توده ایران و پیروزی آرمان‌های آن مبارزه خواهد کرد."

رفقای سه‌گانه به هر دلیلی هم که متوسل شوند نمی‌توانند تناقض واقعی منطقی بین گفته‌های گذشته و اعمال کنونی خود را مستور دارند. همین تناقض منطقی می‌تواند نادرستی و غیر اصولی بودن روش انشعاب‌گرانه این رفقا را نشان دهد."

### انشعابیون با مغز خود نمی‌اندیشند

در اسناد منتشره از طرف انشعابیون و از آن جمله اعلامیه‌ای که در عین حال دارای دونا ریخ تیرماه و شهریورماه ۱۳۴۴ است همه‌جا دعوی می‌کنند که با مغز خود می‌اندیشند و حزب را متهم می‌سازند که مستقلانه اندیشه و عمل نمی‌کند. هدف از این اتهام آنست که حزب توده ایران را به فقدان استقلال فکری و سازمانی متهم گردانند و خود را علمدار چنین استقلالی اعلام نمایند. صرف نظر از این که این اتهام از زرادخانه دشمنان کمونیسم به قرض گرفته شده و بارها خود انشعابیون علیه آن قلم فرسایی کرده‌اند و از استقلال فکر و عمل حزب دفاع نموده‌اند، تکرار این کلام در اعلامیه‌های انشعابی برای آنست که خود را مستقل، ملی و مبتکر جلوه‌گر نمایند و وابستگی خود را به یکن مستور دارند. علت آن که در اعلامیه اخیر خود که اواسط آذرماه منتشر شده انشعابیون در عین حال دو تاریخ تیر ماه و شهریور ماه را گذاشته‌اند، برای مخفی کردن این واقعیت است که عمل انشعابی آن‌ها با دستور صادره از یکن مغایر بوده است. مدت‌هاست که رهبری حزب کمونیست چین در تدارک ایدهای و سازمانی انشعاب است و سرانجام این نیت به شکل علنی در روزنامه "ژن مین ژیبائو" در تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۹۶۵ (۲۱ آبان ۱۳۴۴) (و نیز مجله "خوبنسی") ضمن سرمقاله‌ای تحت عنوان "وحدت عمل رهبری جدید حزب کمونیست شوروی افشاء شده است" از جمله در این مقاله نوشته شده است:

"اکنون وظیفه احزاب مارکسیست - لنینیست عبارت است از

کشیدن خطر روشن تمایز در زمینه سیاسی و سازمانی بین خود و رویزیونیست‌ها که به امپریالیسم آمریکا خدمت می‌کنند" و نیز: "برای مارکسیست‌ها - لنینیست‌ها راه دیگری باقی نمی‌ماند جز گسستن پیوند یا گروه‌های رویزیونیست، ایجاد و بسط احزاب و سازمان‌های انقلابی واقعی مارکسیست - لنینیست به امری اجتناب‌ناپذیر بدل می‌شود."

موازی با همین ایام انشعاب‌یون برای خروج خود از کشور اقامتگاه وارد اقدام شدند و اعلامیه‌های اول و دوم انشعابی خود را منتشر کردند و در این اعلامیه‌ها آن‌ها نیز شعار با مغز خود اندیشیدن را فراموش کرده چند بار عین عبارت ژن مین ژیبائو را تکرار کردند که برای آن‌ها نیز دیگرگاهی به‌جز انشعاب باقی نمانده است! بدیهی است که انشعاب‌یون در اعلامیه‌های خود از تصریح نام حزب کمونیست چین و از افشا و وابستگی خود به یکن احتراز می‌کنند و اتفاقاً این احتراز آن‌ها را بیشتر فاش می‌کند و از ادعای با مغز خود اندیشیدن و مستقلانه عمل کردن چیزی باقی نمی‌گذارد. روزنامه اومانیتته چندی پیش بسیار خوب نوشت که پس از مقاله منتشره در روزنامه ژن مین ژیبائو دیگر همه چیز کاملاً روشن است و اگر گروه‌های کوچکی در فرانسه تشکیل شود معلوم است که چیزی جز عمال یکن نیستند. ما به‌نوبه خود نمی‌دانیم چنین گروه‌هایی تا چه اندازه ذبح‌اند خود را ملی و مستقل بنامند و همان حزبی را که تا دیروز از استقلال فکرو عمل آن مدافعه می‌نموده‌اند، حزبی غیر مستقل معرفی نمایند و اعلام دارند که حزب توده ایران نه فقط عمل مستقل نمی‌کند بلکه حتی با اندیشه و عمل مستقل افراد خود نیز مخالفت می‌ورزد و با مغز دیگران می‌اندیشد. یکی از افراد انشعابی عباس سغابی در مقاله خود تحت عنوان "انتر-ناسیونالیسم پرولتری و میهن پرستی حزب ما" در شماره ۲ سال اول مجله دنیا ۱۳۳۹ چنین می‌نویسد:

"سفسطه در مفهوم انترناسیونالیسم پرولتری احزاب طراز نوین طبقه کارگر و از آن جمله حزب توده ایران، نفی جنبه ملی و انکار خصیصه میهن پرستانه حزب ما در نقطه مرکزی تبلیغات دشمن قرار دارد. حقایق خود گویاست ترکیب طبقاتی حزب ما میهن پرستی آن را قویاً ایجاب می‌کند. آن سازمان وسیع و عظیم حزبی که دشمن فقط به‌زور داغ و درفش، شکنجه و اعدام توانست آن را به طور موقت محدود سازد، نشانه‌بارزی از این واقعیت است که حزب ما برای انجام وظایف خطیر خود به وسیع ترین طبقات و قشرها و نیروهای ملی میهن ما متکی است. شعارهای عملی مبارزه که حزب ما هم اکنون برای تشکیل جبهه واحد ملی و به‌منظور قطع ریشه امپریالیسم و استعمار و برای طرد خائنین از میهن ما به نیروهای ملی کشور ارائه نموده و وظایفی که حزب ما در راه تحقق این شعارها به عهده می‌گیرد الهام بخشی جز نیروی عمیق ایمان و اعتقاد دوی به میهن و میهن پرستی نمی‌تواند داشته باشد."

جالب است که چنان که تاکنون از گفته‌های انشعاب‌یون معلوم می‌شود آنان می‌کوشند سازمان انشعابی خود را تحت نام "حزب توده ایران" احیاء کنند. خود این عمل اعتراف به اعتبار عظیم سیاسی و اجتماعی و معنوی حزب توده ایران در

جامعه ایران است. این غضب نام که دیگران هم آن را بدون موفقیت امتحان کردند، نشانه آنست که حزب ما علی‌رغم ناکامی‌ها و نقایصی که مسلماً دارد و هرگز آن را نبوشانده است بهترین مظهر آمال و معنویات اصیل مردم و نماینده روح انقلابی اوست. انشعابیون که با مغز رهبران حزب کمونیست چین می‌اندیشند و می‌خواهند با نام غضب‌شده از سازمان پراعتبار دیگری جریانی ایجاد کنند، از همان ابتدا در موضع میوبی قرار دارند: با فکر عاریه و اسم عاریه نمی‌توان دم از استقلال زد. موقعی که در ایران ارتجاع‌ها را حاکم بر اوضاع است و امپریالیسم به دست هیئت حاکمه ریشه انقلاب و دموکراسی را با خشم و غضب می‌کند و سازمان‌های ملی و دموکراتیک تحت تعقیب وحشیانه سازمان امنیت قرار دارند و حزب توده ایران دچار انواع مشکلات است و با تفلای فراوان سعی دارد چراغ نهضت کارگری را در ایران روشن نگاه دارد، آیا به عمل انشعاب از طرف عده‌ای از اعضای حزب و تشویق این عمل از طرف حزب کمونیست چین چه اسمی می‌توان گذاشت؟ کوچک‌ترین تردیدی نیست که این عمل به سود زحمتکشان و مردم ایران نیست. این عمل به طور عینی به سود دشمنان سوگندخورده ماست و آن‌ها را خوشحال و راضی می‌کند. این عمل ایجاد تفرقه در حزب طبقه کارگر و مشعب کردن این حزب است.

حزب ما در تاریخ طولانی خود حوادثی از این قبیل کم ندیده‌است. جریان اولین انشعاب از حزب نشان داد که این حزب قادر است به‌انکاء صحت مواضع اصولی خود و اعتبار خود در نزد توده‌های مردم و صحت مشی انترناسیونالیستی و مبارزه مبتکرانه خود نه فقط موجودیت خود را از خطر تجات دهد بلکه آن را تحکیم بخشد. از آن ایام به بعد حزب ما حوادث بسیاری را از سر گذرانده و مجرب‌تر و آبدیده‌تر شده است. اکنون حزب می‌تواند با بصارت بیشتری برای دفاع از موجودیت خود در مقابل انشعاب جدید عمل کند. تردیدی نیست که به خطر انشعابی جدید در نهضت کارگری و کمونیستی جهان و از آن جمله در نهضت ما نباید کم بها داد ولی خط مشی دکماتیک و ماجراجویانه رهبران چین و پیروان ایرانی آن‌ها به‌صخره محکم واقعیات برخورد خورد و سرنوشت این خط مشی به‌علت نادرستی اصولی آن سرانجام چیز دیگری جز ناکامی نخواهد بود. تردیدی نیست که رفقای حزبی همه مانند یک تن واحد برای دفاع از موجودیت حزب در برابر انشعابیون برخوانند خواست و با عزم و قاطعیت مبارزه خواهند کرد. حزب ما حزبی است که در آن پیوسته‌اظهار نظر مستقلانه و مبتکرانه افراد حزب در چارچوب مراعات جهان‌بینی و اصول و موازین حزبی مجاز بوده‌است و به‌همین جهت در حزب ما تصادم نظریات و افکار آزادانه یک امر عادی است. ولی افراد حزب ما پیوسته در مقابل خطری که موجودیت حزب و مصالح عالی‌ه آن را تهدید کند و در برابر خواست‌ها و وظایف اساسی حزب با اتحاد کامل و با همبستگی انقلابی عمل کرده‌اند و می‌کنند. این یکی از سنن پرارزش حزب ماست. حال وقت آنست که همه رفقای حزبی هرگونه اختلاف نظریه و سلیقه را در سراسر حزب، در ایران و خارج از ایران، کنار گذارند، و در زیر پرچم حزب و رهبری آن برای دفاع از حزب توده ایران در برابر انشعابیون و خط مشی دکماتیک و ماجراجویانه آن‌ها بیش از پیش صفوف خود را فشرده کنند. این امر برای تکامل نهضت رهایی‌بخش کشور ما دارای اهمیت اصولی و حیاتی است.

ما مطمئن داریم که علی‌رغم دشواری‌ها موفقیت نهایی از آن سازمان پرافتخار حزب توده ایران است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران، آذرماه ۱۳۴۴